

بسمه تعالی

مؤلفه‌های سازنده تمدن اسلامی و نقش حوزه و دانشگاه در تحقق آن با تأکید بر اندیشه

سیاسی مقام معظم رهبری

نویسنده-سیدفخرالدین موسوی زاد^۱

Sfmoosavizad@gmail.com

ناصر سودانی- استاد راهنما^۲

مرتضی مولوی-استاد مشاور^۳

Morteza.molavi12@gmail.co

چکیده

یکی از مسائل مهم پیش روی جهان اسلام، ارائه الگویی مناسب و سبک زندگی اسلامی برای جامعه بشریت است، الگویی جامع که دربردارنده سعادت دنیوی و اخروی باشد. دین اسلام چنین ظرفیتی را دارد تا این الگو را در قالب تمدنی نوین ارائه نماید، تمدنی که بر اساس گزاره‌های دینی بنا شده و محتوای آن مبتنی بر منابع دینی از جمله آموزه‌های قرآنی و سنت ائمه اطهار علیهم السلام باشد. در مسیر تحقق این تمدن، علاوه بر طراحی ایدئولوژی دقیق بر اساس مبانی دینی، نیاز است عوامل سازنده تمدن نوین اسلامی شناسایی و نحوه اجرایی آن بیان شود. در عصر حاضر مراکز علمی همچون حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها که نهادهای اصلی تولید علم و جنبش نرم‌افزاری می‌باشند نقش اساسی و کلیدی‌ای در توسعه، مرمت و بازیابی این تمدن کهن و بزرگ ایفا می‌کنند. در این پژوهش سعی شده است ضمن تبیین معنای لغوی و اصطلاحی تمدن نوین اسلامی به ارائه مؤلفه‌های احیاگر تمدن اسلامی و نقش حوزه و دانشگاه در تحقق آنها بصورت توصیفی و تحلیلی اشاره شود. ازجمله مؤلفه‌های مهم در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی می‌توان به معنویت، پیشرفت علمی، اقتصادی و نظامی، پایداری نظم و امنیت، تربیت مدیران و کارگزاران، معرفی سبک زندگی اسلامی، وحدت و تفرقه زدایی اشاره کرد که حوزه و دانشگاه به عنوان پایگاه‌های اصلی سازنده‌ی این تمدن نوین، با وحدت و هم‌افزایی خود توانسته است نقش مؤثری در این زمینه داشته باشند.

کلید واژه: تمدن اسلامی، تمدن نوین، حوزه علمیه، دانشگاه، مؤلفه‌های احیاگر

^۱ دانشجوی دکتری کلام شیعه، دانشگاه امیرالمومنین علیه السلام، اهواز، ایران

^۲ مدرس دانشگاه امیرالمومنین علیه السلام، اهواز، ایران

^۳ دکتری کلام شیعه از دانشگاه امیرالمومنین علیه السلام - سطح ۴ مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

Abstract

One of the important issues facing the Islamic world is to provide a suitable model and Islamic lifestyle for the human society, a comprehensive model that includes worldly and hereafter happiness. The religion of Islam has such a capacity to present this model in the form of a new civilization, a civilization that is based on religious propositions and its content is based on religious sources, including Quranic teachings and the tradition of the Imams of Athar (peace be upon them). In the path to the realization of this civilization, in addition to designing a precise ideology based on religious foundations, it is necessary to identify the factors that make up the new Islamic civilization and explain its implementation. In today's era, scientific centers such as seminaries and universities, which are the main institutions of science production and software movement, play an essential and key role in the development, restoration and recovery of this ancient and great civilization. In this research, while explaining the literal and idiomatic meaning of modern Islamic civilization, it has been tried to present the reviving components of Islamic civilization and the role of the field and university in their realization in a descriptive and analytical way. Among the important components in the formation of modern Islamic civilization, we can mention spirituality, scientific, economic and military progress, stability of order and security, training of managers and agents, introduction of Islamic life style, unity and desegregation, where the district and university as the bases The main builders of this new civilization, with their unity and synergy, have been able to play an effective role in this field.

تمدن اسلامی از دیرباز سردمدار تمدن های بشری و مورد توجه جامعه در اعصار مختلف تاریخ بوده است. با گذشت زمان و پیدایش حوادث گوناگون جدید، همچنین رویش تمدن های جدید و امروزی، الزامات جدیدی برای ساختار یک تمدن نوین قابل تصور خواهد بود. عصر حاضر، دوران گسترش دانش، تکنولوژی نوین و پژوهش های علمی پیشرفته است و جوامع بشری با مسائل مستحدثه و معضلات جدید روبرو است و هرچه نیاز بشر به مسائل جدید بیشتر شود ضرورت انجام فعالیت های علمی و نوآورانه و جدید نیز بیشتر محسوس خواهد بود. بنابراین ضروری است یک تمدن نوین و پایدار، همواره مورد ترمیم و بازسازی قرار گیرد و از آنجایی که علم و دانش از جمله مهمترین و کلیدی ترین ابزار یک تمدن نوین به حساب می آید این وظیفه بر عهده اندیشمندان و خبرگان حوزه و دانشگاه جامعه می باشد که نقش اساسی و کلیدی ای در توسعه، مرمت و بازیابی این تمدن کهن و بزرگ دارند. از جمله اقداماتی که حوزه های علمیه و دانشگاه ها، به عنوان پرچمداران این نهضت بزرگ بر عهده دارند شناسایی عوامل سازنده تمدن نوین اسلامی و نحوه اجرایی آن در جامعه است که در این پژوهش سعی شده است پیرامون این مسئله بصورت اختصار مطالبی بیان شود. پیش از هر چیز نیاز است مفهوم تمدن اسلامی تعریف و ابعاد یک تمدن نوین به صورت دقیق بیان شود و بعد مشخص کنیم که حوزه و دانشگاه دقیقا در تحقق کدام یک از ابعاد این تمدن می تواند مؤثر باشد.

۱- معنای لغوی تمدن

ریشه کلمه «تمدن» واژه «مدن» بوده و پیرامون معنای آن، لغت شناسان تعاریف متعددی ذکر نموده اند معانی ای همچون: پذیرش شهرنشینی، خو گرفتن به آداب و اخلاق شهرنشینی، دوری از آداب جاهلی، پذیرش نظم و قانون و سایر شئون اجتماعی و همکاری افراد اجتماع با یکدیگر در امور مختلف اجتماعی و سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره (لغت نامه های دهخدا، فرهنگ معین و فرهنگ عمید، فرهنگ ابجد عربی، فارسی واژه «مدن»)، اصطلاح «مدینه» نیز از همین معانی اخذ شده است. گاهی اوقات لغت شناسان واژه «تمدن» هم معنای «فرهنگ» گرفته اند ولیکن برخی افراد در این اصطلاح تفاوت قائل شده اند. تمدن در زبان انگلیسی civilization و در عربی «حضاره» خوانده می شود؛ ابن خلدون نیز با واژه های «العمران» و «الحضاره» از آن یاد کرده است (ابن خلدون، ۱۴۲۸ق، ص ۱۷۲) کلمه civita که در مقابل بوده و از کلمه civilis به معنی شهرنشینی می باشد. (حجازی، بی تا، ص ۲۰)

۲- معنای اصطلاحی تمدن

مفهوم تمدن اگر چه در طول تاریخ در اعصار مختلف وجود داشته است لکن این اصطلاح با رویکرد مفهومی جدید در عصر حاضر مطرح شده است و معانی متعددی برای آن بر اساس دیدگاه های مختلف بیان شده است. ویل دورانت از اندیشمندان غربی، پیرامون واژه «تمدن» چنین آورده است:

تمدن به شکل کلی آن عبارت از نظامی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند. در تمدن، چهار رکن و عنصر اساسی وجود دارد که عبارت اند از: پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی و سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر. ظهور تمدن هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و نا امنی پایان پذیرفته باشد؛ چه فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاوی و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می افتد و انسان خود را تسلیم غریزه های می کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می دهد. (ویل دورانت، ص ۳، ۱۳۷۲)

در تعریف دیگر چنین آمده است: «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین یا حالات پیشرفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است» (فرهنگ روز سخن، ۱۳۸۳، ص ۳۳۷)

علی اکبر ولایتی در کتاب پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، پیرامون اصطلاح «تمدن» چنین آورده است: تمدن حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است. تمدن خروج از بادیه نشینی و گام نهادن در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی یا به قول ابن خلدون عمران یافتن است. (پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ص ۲۲)

۳- تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، تمدنی است که بر اساس محورها و گزاره های دینی بنا شده است. از همین بابت این تمدن دارای ابعاد، پیچیدگی و گستردگی خاصی می باشد. محتوای تمدن اسلامی مبتنی بر منابع دینی از جمله آموزه های قرآنی و سنت ائمه اطهار علیهم السلام می باشد که از مهمترین مؤلفه های آن می توان به: تدین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و... اشاره کرد. (جان احمدی، ص ۵۱، ۱۳۸۶)

۴- تمدن نوین اسلامی

«تمدن نوین اسلامی» در واقع می توان احیاء تمدنی دانست که در قرن چهارم به اوج و شکوفایی خود رسید و گاهی از آن تعبیر به رنسانس اسلامی می شود. می توان گفت مقام معظم رهبری اولین فردی بود که اصطلاح «تمدن سازی نوین» به کار بردند. و مقصود همان احیاء تمدن اسلامی و ایجاد تمدنی نوین بر پایه پیشرفت همه جانبه است. ایشان در این زمینه فرمودند:

یک روزی مردم اروپا با استفاده از دانش مسلمین و فلسفه مسلمین توانستند از این دانش و فلسفه استفاده کنند و یک تمدنی را برای خودشان شالوده ریزی کنند. این تمدن البته تمدن مادی بود. تمدنی که آنها به دنیا عرضه کردند، جلوه های زیبایی از فناوری و سرعت و سهولت و ابزارهای زندگی را در اختیار مردم گذاشت، اما خوشبختی انسان ها را تأمین نکرد، عدالت را برقرار نکرد. بعکس، بر فرق عدالت کوبید، ملت هایی را اسیر کرد، ملت هایی را فقیر کرد، ملت هایی را تحقیر کرد؛ در درون خود هم دچار تضادها شد، از لحاظ اخلاقی فاسد شدند، از لحاظ معنوی پوک و پوچ شدند. امروز خود غربی ها به این معنا گواهی می دهند. یک

سیاستمدار برجسته‌ی غربی به من گفت دنیای ما دنیای پوچ و پوکی است و این را حس می‌کنیم. راست می‌گوید؛ این تمدن ظاهر پُرزرق و برقی داشت اما باطن خطرناکی برای بشریت داشت. امروز تضادهای تمدن غربی خود را دارد نشان می‌دهد؛ در آمریکا یک‌جور، در اروپا یک‌جور، در مناطق تحت سلطه‌ی اینها در سراسر دنیا هم یک‌جور. امروز نوبت ما است، امروز نوبت اسلام است. وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ (آل عمران، ۱۴۰). امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. همچنان که اروپایی‌ها آن‌روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه‌ی مسلمین استفاده کردند، از فلسفه‌ی مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه‌ی امروز ما است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۴)

آنچه در تحقق تمدن نوین اسلامی ملاک است پیشرفت همه‌جانبه بر اساس مبانی و ارزش‌های دینی می‌باشد، بطوریکه بتوان نیازهای مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی جامعه را شناسایی و در همه‌جانبه‌ها به پیشرفت مطلوب نائل گشت. البته این نکته نیز حائز اهمیت است که برای تحقق تمدن نوین، شرایط و اقتضائات دنیای جدید باید در نظر گرفته و به آن توجه ویژه شود. در واقع در این راستا نباید تمدن غرب و پیشرفت‌های حاصله را نادید گرفت همانطوری که نایست فرهنگ آنها را مبنا و اساس کار خود قرار داد.

تمدن نوین اسلامی، تمدنی است بر اساس گزاره‌های دینی که پاسخگوی همه‌ملت‌ها در همه‌اعصار باشد. متون دینی، منابع اصیل برای ساخت چنین تمدنی می‌باشند. لذا حوزه علمیه به عنوان مرکز کارشناسان دینی این وظیفه را بر عهده دارد تا نقشه راه تشکیل تمدن نوین اسلامی را از متون دینی تبیین نماید.

از جمله مسائل بسیار مهم در این زمینه این است که آیا متون دینی می‌تواند منشأ و منبع ساخت تمدن نوین برای جامعه بشری باشد که پاسخگوی همه‌نیازهای او در زمینه‌های مختلف باشد؟ در پاسخ باید بگوییم غناء متون دینی قطعاً جوابگوی این چنین ظرفیت عمیقی خواهد بود. آیات قرآن کریم به عنوان یکی از منابع دینی، دارای جامعیت بسزایی در این زمینه می‌باشد و همین مسئله نیز از اعجاز آیات قرآن به شمار می‌آید که برای اقشار در همه‌ازمنه قابل بهره‌برداری می‌باشد و مخصوص یک قوم خاص و یا یک زمان محدود نمی‌باشد.

به نظر می‌رسد مؤلفه‌هایی همچون معنویت، پیشرفت علمی، اقتصادی و نظامی، بصیرت و قدرت تحلیل سیاسی، پایداری نظم و امنیت، تربیت مدیران و کارگزاران، معرفی سبک زندگی اسلامی، وحدت و تفرقه‌زدایی، لزوم شناسایی و دفع موانع و چالش‌های پیش روی تمدن اسلامی از جمله مهمترین عوامل زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی می‌باشد که حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها می‌توانند در تحقق و معرفی آن‌ها به جامعه نقش به‌سزایی داشته باشند. در ادامه به صورت مختصر به این عوامل و تأثیر حوزه و دانشگاه در تحقق آنها به صورت مختصر اشاره می‌کنیم:

۵- مؤلفه های کلیدی در تحقق تمدن نوین اسلامی

الف) معنویت

از جمله مؤلفه های بسیار مهم در ایجاد تمدن اسلامی مقوله «معنویت» است. معنویت؛ مصدر واژه معنوی و به هر آنچه شامل یا مربوط به معنی و روح باشد گفته می شود و مقابل ظاهری و مادی است. معنویت یعنی وجود معنا و هر آنچه مادی نباشد را معنوی گویند. (لغت نامه دهخدا، ۱۳۸۰، واژه معنویت) معنویت پایدارترین عنصر دین است که مشخص کننده ارتباط خصوصی بین فرد با خداوند محسوب می شود. در تعریف ماهیت معنویت، متفکران مسلمان دیدگاه های متفاوت و گاه متعارضی دارند. می توان گفت به طور کلی دو دیدگاه کلی در این زمینه وجود دارد: برخی از عرفا، معنویت را یک امر درونی می دانند و مقصود از آن را ارتباط نفس انسان با عالم ماوراء ماده و اتصال با غیب می دانند. این ارتباط، لزوماً شامل روابط بیرونی انسان نیست و در این نگاه، اصلاح عالم درون، التزامی با اصلاح عالم بیرون نخواهد داشت. به عبارت دیگر از میان سه رابطه وجودی انسان یعنی رابطه با خدا، رابطه با خود و رابطه با دیگران، تنها دو مورد اول مورد توجه قرار می گیرد. در مقابل، دیدگاه دیگری هست که معتقد است اتصال با عالم معنا، در صورتی حائز اهمیت است که در شکل اصلاح روابط انسان با دیگران متجلی شود. (معنویت گرایی و تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۲۰)

یکی از آفت های بزرگ تمدن های غیر دینی از جمله تمدن غربی، عدم وجود معنویت و بی توجهی به ارزشهای اخلاقی و دینی بوده که ناشی از نگرش مادی گرایانه و اندیشه ماتریالیستی می باشد که منتهای آمال این اندیشه، تولید انسانهایی مرفه، ولی درگیر با انواع پریشانی، اضطراب، افسردگی و بی هدفی است که البته در درمان این آسیب ها هم دچار حیرت و سردرگمی شده است. آنچه که امروز شاهد هجوم انسانهای این عصر به برخی عرفان های نوظهور در عصر کنونی هستیم، ناشی از احساس تشنگی بیش از پیش به معنویت و آرامش درونی پیوسته است.

امروزه نقش کلیدی معنویت در زندگی بشری مورد توجه بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است و می توان گفت جوامع بشری به این نتیجه رسیده اند که نمی توانند معنویت و دین را از زندگی خود حذف کنند و خود را از آثار و برکات آن محروم کنند. از جمله آثار و برکات معنویت می توان به: کاهش بحران های روحی، آرامش روانی، پرورش فضائل اخلاقی، زمینه سازی برای عدالت اجتماعی، خوش بینی به نظام هستی و ... اشاره کرد.

همزمان با شکل گیری انقلاب اسلامی، ایده جدیدی برای رویکرد معنویت گرا در گفتمان سیاسی تشکیل شد. در نگاه انقلابی به دین و معنویت، موانع اجتماعی رشد معنوی انسان، باید کنار گذاشته شوند. بنابر این رهایی از سلطه و سیطره استبداد و دیکتاتوری، در جهت تحقق ارزش های انسانی و برای نیل به جامعه ای آزاد و دارای حق انتخاب، از نکات برجسته حضور دین در عرصه اجتماع است. در نگاه اجتماعی دین، زیر بار ظلم رفتن مثل ظلم کردن، هر دو از ناحیه عدم تزکیه است. اتکا بر قدرت معنوی و ارزش های اخلاقی، زمینه سوءاستفاده های منفعت گرایانه را می بندد. «در نگاه مادی به قدرت، هر مظلومی به واسطه ی قرار گرفتن در موضع قدرت، گرایش به سلطه و استبداد پیدا می کند و ظالم می شود و انقلاب دیگری را زمینه سازی می کند» (منصوری، ۱۳۸۱، ص ۱۴۴) و این تسلسل ادامه خواهد داشت. اما حرکت اجتماعی که نه بر مبنای طغیان و عصیان مطلق بر علیه وضع موجود در جهت به دست گرفتن قدرت، بلکه با محوریت ارزش های اخلاقی و در جهت کسب رضای خدا و برای احقاق

حقوق مسلم انسان ها و به انگیزه ایجاد شرایط برتر برای رشد مادی و معنوی توأمان، شکل می گیرد، کاملاً متفاوت از اقدامات قدرت محور است. (معنویت گرایی و تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۲۲)

رهبر انقلاب در ارتباط با نقش معنویت در انقلاب چنین فرموده اند: «این انقلاب بر پایه اصول مستحکمی بنا شد. هم اجرای عدالت را مورد نظر قرار داد، هم آزادی و استقلال را (که برای ملت ها از مهمترین ارزش هاست)، هم معنویت و اخلاق را. این انقلاب، ترکیبی از عدالتخواهی، آزادی خواهی، مردم سالاری و معنویت و اخلاق است. منتها این عدالت را نباید با آن عدالت ادعایی و موهومی که کمونیست ها در شوروی سابق یا در کشورهای اقمار خویش شعارش را می دادند، اشتباه کرد... این معنویت و اخلاقی را هم که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی جزو اصول خود قرار داده است، نباید با دینداری متحجر و ایستا در بسیاری جوامع اشتباه کرد.» (خامنه ای، ۱۳۸۱)

حوزه های علمیه با توجه به جایگاهی دینی و اجتماعی ای که در بین مردم دارد می تواند نقش بسزایی در تحقق معنویت ایفا نماید. سازمان روحانیت و حوزه های علمیه که پرچمدار و مبلغین اصلی معارف دین مبین اسلام هستند همواره می بایست با فعالیت در مساجد، نمازهای جمعه، مراسم مذهبی و ... تحولات معنوی و اخلاقی فراوانی در بین جامعه ایجاد نموده و رسالت خویش که جهت دهی صحیح فرهنگی و منطبق با ارزش ها و اعتقادات دینی در جامعه را به خوی ایفا نماید. همچنین دانشگاه ها به عنوان مرکز تعلیم و تربیت افراد نخبه جامعه در این زمینه نقش کم رنگی نداشته و می تواند در شرایط گوناگون تأثیرگذار باشد و از آن جهت که افراد زیادی در جامعه جهت تعلیم علم و افزایش دانش خود به دانشگاه ها می روند، می توان دانشگاه را یکی از پایگاه ها و مراکز بسیار مهم انسانی دانست که با تعلیم آموزه های دینی و اخلاقی در کنار آموزش علمی، روح معنویت و باورهای دینی و اخلاقی را در درون ایشان نهادینه کرد. لذا حوزه های علمیه از یک حیث و دانشگاه ها از حیث دیگر می توانند در تقویت معنویت و مباحث اخلاقی مؤثر واقع شوند. حوزه با ورود به جامعه و تعلیم آموزه های دینی، و دانشگاه با پرورش نیروی انسانی خوبی که در اختیار دارد.

ب) پیشرفت علمی

در آیات قرآن و روایات ائمه اطهار علیهم السلام، تأکید فراوانی پیرامون اهمیت توجه به علم و پیشرفت علمی، شده است و ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست لکن آنچه در اینجا موضوعیت دارد، جایگاه و تأثیر پیشرفت علمی در تحقق تمدن نوین اسلامی می باشد. در همین این راستا باید گفت توسعه و تولید علم و نوآوری ها و پیشرفت علمی، از جمله مباحث بسیار مهم در پیشرفت و ارتقاء جامعه بشری و تحقق تمدن نوین، می باشد. امروزه، جوامعی که به پیشرفت و توسعه ملی خویش بها می دهند در برنامه ریزی های استراتژیک و سیاست گذاری های خود، موفق خواهند بود. در واقع تولید و توسعه علم در راستای کشف حقائق علمی و ترویج و بهره مندی جامعه بشری از آن در جهت رفع نیازهای روز خود، می بایست در اولویت و رأس امور باشد. گذشت زمان و با پیشرفت علم و تکنولوژی و ظهور مسائل جدید فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و ... مراکز علمی به انجام نگارش پژوهش های نوآورانه رو آورده و به کشف و حل مشکلات جامعه و بهبود ساختار نظام ها و راهگشای اهداف توسعه جامعه همت گمارده اند.

لذا ناگزیر هستیم جهت تحقق تمدنی نوین به توسعه، تولید و نوآوری های علمی روی بیاوریم چرا که عصر حاضر، دوران گسترش دانش، تکنولوژی نوین و پژوهش های علمی پیشرفته است و مسائل مستحدثه و معضلات جدید جوامع بشری توسط علوم و توانایی جدید قابل حل می باشند و هرچه نیاز بشر به مسائل جدید بیشتر شود ضرورت انجام فعالیت های علمی و نوآورانه و جدید نیز بیشتر محسوس خواهد بود.

تمدن اسلامی از دیرباز سردمدار تمدن های بشری و مورد توجه جامعه در اعصار مختلف تاریخ بوده است. با گذشت زمان و پیدایش حوادث گوناگون جدید، همچنین رویش تمدن های جدید و امروزی، الزامات جدیدی برای ساختار یک تمدن نوین قابل تصور خواهد بود. بنابراین ضروری است یک تمدن نوین و پایدار، همواره مورد ترمیم و بازسازی قرار گیرد و از آنجایی که علم و دانش از جمله مهمترین و کلیدی ترین ابزار یک تمدن نوین به حساب می آید این وظیفه بر عهده اندیشمندان و خبرگان جامعه می باشد.

از همین باب مقام معظم رهبری در خطاب به تشکل های دانشجویی، پیشرفت علمی را یکی از آرمان های نظام جمهوری اسلامی بیان و چنین می فرماید: «بعضی از آرمانها، آرمانهای کلان نظام جمهوری اسلامی اند، آرمانهای بلندمدت و میانمدت هستند و البته آرمانهای اساسی هستند که باید به آنها توجه کرد؛ مثل تشکیل جامعه ی اسلامی یا استقرار عدالت اجتماعی یا مسئله ی استقلال، مسئله ی آزادی و مانند اینها؛ اینها آن آرمانهای اساسی است. بعضی از این آرمانها در سطوح خردتری هستند و در واقع اجزای تشکیل آن آرمانهای سطح بالا محسوب میشوند؛ مثل مثلاً فرض کنید پیشرفت علمی؛ یک آرمان است -یکی از آرمانهای ما قطعاً پیشرفت علمی است- منتها جزئی از مجموعه ای است که جامعه ی اسلامی را تشکیل خواهد داد یا استقلال ما را مثلاً تشکیل خواهد داد.» (خامنه ای، ۱۴۰۰)

در واقع عنصر بسیار مهم در معرفی تمدن اسلامی وجود علماء و پژوهشگران و مراکز علم و دانش می باشد در عصر حاضر نیز مراکز علمی همچون حوزه های علمیه و دانشگاه ها که نهادهای اصلی تولید علم و جنبش نرم افزاری می باشند نقش اساسی و کلیدی ای در توسعه، مرمت و بازیابی این تمدن کهن و بزرگ ایفا می کنند. لذا نخبگان علمی و قشر فرهیخته پژوهشگران حوزه و دانشگاه، که وظیفه سنگینی در پایه گذاری و معرفی این تمدن نوین بر عهده دارند، لازم است در ارائه مفهوم مناسب و دقیق از تمدن اسلامی به جامعه اسلامی نهایت سعی و تلاش خود را ابراز داشته باشند که این مفهوم می بایست پاسخگوی نیازهای عصر حاضر و معضلات جامعه امروزی باشد. بنابراین مراکز علمی پرچم دار نهضت علمی تمدن نوین اسلامی در عصر جدید می باشد و در صورتی می توانند در معرفی و توسعه تمدن نوین اسلامی موفق باشند که در معرفی دقیق تمدن اسلامی، طرح های جدید متناسب با جامعه امروزی ارائه کند که لازمه ی آن ارائه پژوهش ناب، جدید و مسئله محور می باشد.

ج) پیشرفت اقتصادی

از جمله ویژگی های بارز دین اسلام آن است که در تمامی زمینه های معنوی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و اقتصادی دارای برنامه و راهبرد می باشد و عوامل رشد و پیشرفت و موانع موجود در این زمینه را بیان کرده است که این خود از نشانه های جامعیت برنامه های دین اسلام جهت تدوین تمدن اسلامی می باشد بر خلاف تمدن غربی که پیشرفت تک بعدی را

مدنظر گرفته است؛ این مسئله در کلام مقام معظم رهبری در قالب الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی به خوبی مورد اشاره قرار گرفته است، ایشان در اجتماع مردم بجنورد چنین می فرماید: «پیشرفت در منطق اسلام، متفاوت است با پیشرفت در منطق تمدن مادی غرب. آنها یک بُعدی می‌بینند، آنها با یک جهت - جهت مادی - به پیشرفت نگاه میکنند. پیشرفت در نظر آنها، در درجه‌ی اول و به عنوان مهمترین، عبارت است از پیشرفت در ثروت و پیشرفت در علم و پیشرفت نظامی و پیشرفت فناوری. پیشرفت در منطق غربی اینهاست؛ اما در منطق اسلامی، پیشرفت ابعاد بیشتری دارد: پیشرفت در علم، پیشرفت در اخلاق، پیشرفت در عدالت، پیشرفت در رفاه عمومی، پیشرفت در اقتصاد، پیشرفت در عزت و اعتبار بین‌المللی، پیشرفت در استقلال سیاسی - اینها همه در مفهوم پیشرفت، در اسلام گنجانده شده است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱)

یکی از بنیادی‌ترین عوامل رشد و پیشرفت بشریت مسأله اقتصاد است. شاید بتوان گفت اقتصاد از جمله مواردی است که همگی بر اهمیت آن اتفاق نظر دارند و فرقی نمی‌کند که فردی دین دار باشی یا خیر؛ اگر چه بحث امرار معاش و اقتصاد از مسائل روزمره بشری بوده لکن دین مبین اسلام با بیان نکات محوری و کلیدی و رابطه آن با آخرت و سعادت بشری جهت دینی به آن داده است. اگر چه در دین اسلام به مسأله آخرت و معنویت سفارش بسیار زیادی شد اما نسبت به امور مادی و دنیوی نیز تأکیدات خاص خود را دارد و این که تصور کنیم دین اسلام فقط به بحث آخرت رهنمود کرده است و می‌بایست از دنیا و مسائل مادی دوری کرد، یک خطای فکری و تفکر غلط می‌باشد. شاید بهترین کلام در تبیین اهمیت موضوع اقتصاد در اسلام، کلام نورانی پیامبر اسلام (ص) باشد که «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا، وَ أَفْضَلُهَا جُزْءًا طَلَبُ الْحَلَالِ» (معانی الأخبار، ۱/۳۶۷) عبادت هفتاد جزء است و برترین جزء آن طلب روزی حلال است. درواقع در نگاه دین مبین اسلام، اقتصاد و معیشت حلال، جزء لاینفک عبادت که البته بافضیلت‌ترین جزء آن محسوب می‌شود. مسأله امرار معاش و اقتصاد فرد و اجتماع از لوازم زندگی بشری می‌باشد و طبیعتاً می‌بایست در راستای تأمین آنها کوشا باشد و در روایات جهاد اقتصادی بزرگترین عبادت ذکر شده و جایگاه جهادگر اقتصادی به منزله شهید محسوب می‌شود. لکن باید توجه داشت که دنیا مزرعه آخرت است و هر آنچه در این دنیا، برای آن تلاش می‌کنیم، در واقع می‌بایست مقدمه‌ای شود برای تأمین آخرت ما، اصطلاحاً گفته می‌شود دنیا در این برای ما طریقت دارد نه موضوعیت؛ یعنی دنیا و مسائل مادی می‌تواند مسیری و پلی برای رسیدن بشر به سعادت اخروی شود نه اینکه خود دنیا ذاتاً مطلوب ما باشد. لذا نبایست به آن دل‌بست و مقصود نهایی بشر شود. نداشتن حب دنیا و مال‌پرستی از مسائل مهم سعادت بشریت است و در قرآن و روایات این عمل مورد ذم قرار گرفته است. پیامبر اعظم می‌فرماید: «حب الدنيا رأس كل خطيئة» «محبت به دنیا سرچشمه همه خطاها است.» (ری شهری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۸۹۶). با توجه داشت آنچه در متون دینی مذموم شمرده می‌شود حب دنیا و فرموشی آخرت است ولی اصل توجه به دنیا و مسائل مادی و اقتصادی نه تنها از دید دین مذموم نبوده بلکه سفارشات مهمی در این رابطه وجود دارد. در دین اسلام مسائل اقتصادی به حدی اهمیت دارد که تنها در قرآن بیش از ۴۵۰ آیه به این موضوع اختصاص یافته و صدها حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در این باره رسیده است. از نظر اسلام جهاد اقتصادی بزرگترین عبادت است و جهاد گر اقتصادی به منزله شهیدان محسوب می‌شود؛ در این زمینه جمله‌ای از «عبدالله بن مسعود» صحابی معروف نقل شده است که می‌گوید: أَيُّمَا رَجُلٍ جَلَبَ شَيْئًا إِلَى مَدِينَةٍ مِنْ مَدَائِنِ الْمُسْلِمِينَ، صَابِرًا مُحْتَسِبًا، فَبَاعَهُ بِسِعْرِ يَوْمِهِ، كَانَ عِنْدَ اللَّهِ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِدَاءِ، هر کس متاعی را به یکی از شهرها مسمانان ببرد و زحمات خود راه برای خدا محسوب دارد سپس به قیمت عادلانه آن روز بفروشد چنین کسی در پیشگاه خداوند به منزله شهیدان است. (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۱۷۰)

بنابراین مسأله اقتصاد و معیشت علاوه بر اینکه جزء لاینفک زندگی بشری است در دین اسلام نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است. بسترین و پرحجم ترین کتاب های فقهی ما راجع به مسائل اقتصادی است مانند کتاب البیع، کتاب التجاره، کتاب الاجاره، کتاب الرهن، کتاب الوکاله، کتاب الهبه، کتاب الوقف، کتاب الارث، الزکاه، کتاب الخمس، الاخراج، الانفال، کتاب الجزیه و ... اصولاً تحقق اهداف متعالی اسلام بدون توجه به مسائل اقتصادی امکان پذیر نیست و انبیاء الهی علاوه بر پرداختن به موضوعات معنوی و اخلاقی به مباحث اقتصادی نیز توجه ویژه داشته و همواره تلاش خود را در زمینه اصلاح وضع اقتصادی و رفاه مردم در سایه دستورات دینی انجام داده اند. یکی از درخواست های مهم حضرت یوسف علی نبینا و آله و علیه السلام از خداوند متعال ورود به مباحث اقتصادی آن زمان بوده است، ایشان از خداوند درخواست کردند: قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ (یوسف، ۱۲)، یوسف گفت مرا سرپرست خزائن سرزمین مصر قرار ده که نگهدارنده و آگاهم. چرا که حضرت یوسف می دانست یکی از ارکان کلیدی زندگانی بشریت مباحث اقتصادی است که قوام زندگی دنیوی بشر به آن گره خورده است. لذا حضرت علی علیه السلام در نامه ۵۳ (عهدنامه مالک اشتر) و همچنین در خطبه ۳۴ نهج البلاغه به صراحت به مسئله اقتصادی ورود کرده و عبارت «توفیر فیئکم» به معنای فراوان کردن و رشد ثروت های عمومی، اشاره به همین مطلب دارد. چرا که جهاد اقتصادی بخشی از جهاد با دشمن است زیرا یک ملت فقیر و گرسنه همواره محتاج به بیگانه است و هرگز استقلال، عظمت و سربلندی را نخواهد دید و بیگانه همیشه بر او مسلط است.

بنابراین مسأله اقتصاد در سبک زندگی بشر اهمیت زیادی داشته و در تمدن سازی از جایگاه بسزایی برخوردار است. و می توان با قاطعیت گفت اقتصاد رگ حیاتی تمدن سازی می باشد و باید به آن توجه ویژه شود. راهبرد دین اسلام در پیشرفت اقتصادی، روش تنظیم صحیح حیات اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی در راستای عدالت اجتماعی می باشد که در این راستا مراکز علمی همچون حوزه و دانشگاه نقش بسیار مهمی خواهند داشت. به فرموده مقام معظم رهبری: «پیشرفت کشور تنها براساس الگوی اسلامی ایرانی امکان پذیر است» و اگرچه باید از تجارب دیگران بهره گرفت، اما برپایی جامعه پیشرفته، مقتدر و اسلامی و حل مشکلات کشور نیازمند نگاه خودباور و راهکارهای بومی و برخاسته از اندیشه ژرف اندیشمندان و عاشقان تعالی میهن عزیز است که به فضل الهی امروز در دانشگاه ها و حوزه های علمی و جای جای این سرزمین پرافتخار به فراوانی آماده خدمتگزاری بدون منت هستند.

دیدگاه امروز دنیای غرب نسبت به مسائل اقتصادی فراگرفته شده از مکتب سرمایه داری و سوسیالیسم است در این دیدگاه اصالت به فرد داده می شود و اصلی ترین هدف این تئوری آن تاکید بر توسعه اقتصادی با رویکرد حداکثرسازی منافع شخصی افراد است و به هویت جامعه، اصالت داده نمی شود. در الگوی تمدن نوین اسلامی، پیشرفت، افزایش ظرفیت تولید و ثروت متوازن با پیشرفت های فرهنگی و اجتماعی مورد توجه است و علاوه بر اصالت فرد به مثابه اقتصاد انسانی، به جامعه هم اصالت داده می شود و همراه توسعه اقتصادی توسعه در ابعاد دیگر جامعه مانند فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را هم به همراه دارد.

در الگوهای توسعه غربی، اهداف اقتصادی باعث تغییر هنجارهای سیاسی و فرهنگی می شود و هر موضوع کلان اقتصادی به سطح اهداف فردی تنزل پیدا می کند، اما در الگوی تمدن اسلامی پیشرفت همه موارد به طور متوازن و متناسب برنامه ریزی می شود تا علاوه بر افزایش تولید و ثروت به تعالی جامعه و افراد هم کمک بکند. در غرب، اقتصاد، راهبر همه هنجارهاست، اما در تمدن اسلامی اقتصاد باید در خدمت انسان ها و جامعه و تقویت هنجارها باشد. در دین اسلام هم فرد جایگاه و اصالت دارد و هم جامعه از

اصالت ویژه برخوردار است، جامعه فقط جمع جبری افراد نیست بلکه هویت ویژه اجتماعی دارد. (اسماعیل محمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴)

الگوی تمدن اسلامی در مسائل اقتصادی یک الگوی جامع و کامل بوده و به همه ابعاد بشری نظر دارد و ضرورت دارد نخبگان جامعه و مراکز علمی همچون حوزه و دانشگاه پرچمدار این نهضت باشند. دانشگاه به عنوان موتور پیشران جامعه در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی، و حوزه نیز با بیان دستورات ارزشمند دینی در مباحث اقتصادی می‌توانند در این زمینه نقش ایفا نمایند. دانشگاه با ورود در عرصه‌های نظری و تئوریک، و با گفتمان سازی عدالت اقتصادی و اجتماعی جامعه به عنوان نخبگان جامعه می‌تواند مؤثر واقع شود و حوزه نیز با تبیین جامع و کامل فقه اقتصادی می‌تواند نقش آفرینی کند.

در این راستا، موضوع شناسی جامعه، ترسیم دقیق مشکلات اقتصادی و نیازهای واقعی مردم، عقلانیت تولیدی کشور، فرهنگ سازی در اصلاح الگوی مصرف و تبیین دقیق اقتصاد مقاومتی، ارائه راهبرد و برنامه های دینی جهت پیشرفت اقتصادی از جمله مواردی است که می‌بایست مورد اهتمام نهادهای علمی کشور (حوزه و دانشگاه) قرار گیرد تا اقتصادی سالم و به دور از مفاسد و همراه با عدالت را بتوان به عنوان الگوی تمدن اسلامی به جامعه بشریت معرفی کرد.

(د) نظم و امنیت

مقوله «نظم و امنیت» از دیدگاه اسلامی یکی از مهم ترین اصول حیات و اساسی ترین شاخصه و شاکله حکومت و تمدن اسلامی است. یکی از وظایف دولت اسلامی، تأمین امنیت و برقراری نظم و آرامش در مسیر رشد و توسعه جامعه می‌باشد که با به کارگیری و استخدام ابزار و امکانات متنوع باید به این امر مهم همت گمارد و همچنین، جامعه اسلامی نیز وظیفه دارد ولایت ایمان را به ثبوت رسانیده و به منظور پرهیز از بی نظمی و هرج و مرج، فریضه حیات بخش امر به معروف و نهی از منکر را اجرا نماید. کلمه امنیت ریشه در واژه «امن» از زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر می‌باشد. واژه «امن» یعنی بی گزند و بی آسیب و دارای آرامش. امنیت هم یعنی بی گزند و بی آسیبی یا حالتی که در آن گزند و خطر و آسیب راه ندارد و آرامش در آن برقرار است. در تعریف امنیت می‌توان گفت: «در لغت حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین المللی به کار برده می‌شود. (محمد سالار، ۱۳۸۸، ص ۲)

امنیت به معنی حراست از یک فرد، جامعه، ملت و یک کشور در برابر تهدیدهای خارجی است و نقطه مقابل «تهدید» به شمار می‌رود، هر کشوری که بتواند تهدیدهای بالقوه و بالفعل را از میان بردارد، به آسایش و امنیت رسیده است. امنیت، خواه فردی، ملی یا بین المللی، در زمره مسائلی است که انسان با آن مواجه می‌باشد. امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد و یا گروهی از مردم، احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج را داشته باشند. (مهرداد میرعرب سید عبدالقیوم سجادی، ۱۳۷۹، ص ۳)

رهبر انقلاب اسلامی ضمن معرفی «امنیت» از آن به عنوان «زیرساخت همه‌ی ابعاد زندگی یک جامعه» یاد کرده و می‌فرمایند: «امنیت زیرساخت همه‌ی ابعاد زندگی یک جامعه است، یک زیرساخت عمومی است؛ از مسائل شخصی بگیرید، تا مسائل اجتماعی، تا مسائل عمومی، تا مسائل خارجی؛ امنیت زیرساخت همه‌ی اینها است. در مسائل شخصی، معنای امنیت این است که شما شب بتوانی با خیال راحت در خانه‌ی خودت بخوابی، صبح بتوانی با خیال راحت و بدون دغدغه‌ی فرزندت را به مدرسه بفرستی، بتوانی به محل کسب و کار بروی، بتوانی بدون دغدغه به نماز جمعه بروی... «امنیت» در مسائل شخصی یعنی این؛ یعنی شما بتوانید خودتان، فرزندان، خانواده‌تان با احساس امنیت زندگی کنید؛ کارتان، کسبتان، مسافرتان، تفریحات همراه با امنیت باشد.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱) ایشان در جای دیگر پیرامون ضرورت وجود امنیت در جامعه چنین می‌فرمایند: «امنیت ... برای زندگی مردم و یک جامعه، گاهی از نان شب واجب‌تر و مهم‌تر است. خداوند متعال در قرآن کریم در مقام ذکر نعمتهای بزرگ خود به جامعه، می‌فرماید: «الَّذِي اطعمهم من جوع و امنهم من خوف»؛ یعنی گرسنگی و ناامنی در مقابل امنیت و راحتی و رفاه قرار دارد؛ اینها دو عنصر مقابل و مهمند.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱)

تمدن نوین اسلامی با تعریف قرآنی با استناد به آیه ۱۱۲ سوره نحل بیانی جامع و مانع است: «ضرب الله مثلاً قرية كانت آمنة مطمئنة:» «خانه‌ای که در آن خانه، امنیت کامل حکمفرما و اهلش در آرامش و اطمینان زندگی کنند و از هر جانب روزی فراوان به آنها رسد. (طوبی کرمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۷). پیامبر اکرم (ص) در اهمیت موضوع امنیت، از آن به عنوان نعمت مکفور یاد می‌کنند و می‌فرمایند «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ: الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ؛ دو نعمت است که شکر آنها گزارده نمی‌شود: امنیت و سلامتی.» (خصال صدوق، ص ۳۴) و درجایی دیگر وطن بدون امنیت را فاقد خیر برمی‌شمرد و می‌فرماید: ««لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ، وَلَا فِي الْمَنْظَرِ إِلَّا مَعَ الْمَخْبَرِ ... وَلَا فِي الْحَيَاةِ إِلَّا مَعَ الصِّحَّةِ، وَلَا فِي الْوَطَنِ إِلَّا مَعَ الْأَمْنِ وَالسَّرُورِ؛ در گفتار بی‌کردار، و دیدن بی‌آزمودن ... و زندگی بدون سلامت، و وطن بدون امنیت و شادمانی، خیری نیست.» (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۹)»

همین موضع موجب گردید که ایشان، به عنوان پایه‌گذار تمدن اسلامی، اقدامات فراوانی را جهت فراهم‌سازی بستر مناسب تمدن‌سازی انجام دهند. مهمترین عامل در شکل‌گیری هر تمدنی ایجاد فضای آرام با امنیت و آسایش است. چرا که بدون وجود چنین شرایطی هرگز تمدنی شکل نمی‌گیرد و اگر هم شکل بگیرد، چندان گسترده و با دوام نخواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از زمان آغاز دعوت خود در مکه در صدد ایجاد محیطی آرام برای مسلمانان بود. هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه برای در امان بودن از شر مشرکان مکه، عقد پیمان با مردم مدینه در عقبه اول و دوم، هجرت به مدینه و تاسیس حکومت اسلامی، پیمان‌های مختلف سیاسی و جنگ‌های پیامبر در دوره مدنی از مهمترین اقدامات پیامبر در این زمینه بود. تداوم این حرکت پیامبر مستلزم وجود قانونی جامع بود تا همه مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان بتوانند براساس آن در کنار یکدیگر زندگی کنند. اگرچه دین اسلام و آیات قرآن به عنوان قانونی جامع برای مسلمانان بود اما در کنار مسلمانان یهودیان و مشرکان مدینه نیز زندگی می‌کردند که پیامبر اکرم پیمان‌نامه عمومی مدینه را به عنوان نخستین قانون اساسی به امضای گروه‌های مختلف ساکن در شهر مدینه و اطراف آن رساند و با همه مردم در برابر قانون به مساوات رفتار کرد تا این رفتار او الگویی برای تمامی مسلمانان در این زمینه باشد.

با این اقدامات پیامبر اکرم و رهبری هوشمندانه ایشان در جامعه اسلامی، در دوره حیات ایشان پایه‌های تمدنی پی‌ریزی شد که بعدها در قرون ۴ و ۵ هجری به دوره اوج شکوه و عظمت خود رسید و تمدن اسلامی در دنیای آن روز که اروپا دوران قرون وسطی خود را پشت سر می‌گذاشت، سرآمد همه تمدن‌ها بود. تمدنی که پیامبر اکرم پایه‌گذار آن بود از قرن هفتم به بعد با از میان رفتن

زمینه‌های پیشرفت و اعتلای آن که پیامبر در این راه تلاش‌های فراوانی کرده بود، در سراسیمگی نزول قرار گرفت. اکنون با گذشت چندین قرن از آن دوره با خیزش حرکت‌های بیداری اسلامی در جهان اسلام، مسلمانان بر آنند تا تمدن اسلامی که زمانی سرآمد همه تمدن‌های دنیا بود، را در سایه توصیه‌های دین اسلام و پیامبر اکرم مجدداً احیا و امنیت جامع را در جامعه اسلامی برقرار کنند. (محمود صادقی علوی، ۱۳۹۴، ص ۳۷)

لازم است این نکته بیان شود که امنیت مورد نظر ما معنایی فردانیوی دارد، در ادبیات دین اسلام امنیتی مد نظر ماست که سعادت اخروی ما را تأمین کند و این تفاوت اصلی تعریف امنیت در لسان دین اسلام و دیگر لسان هاست، امنیت در تمدن اسلامی علاوه بر بقای دنیوی، بقای اخروی را نیز دنبال می‌کند. لغت‌شناسان ریشه امنیت را از امن دانسته، و ایمان و مؤمن نیز از همین واژه امن اخذ شده است. هم به انسان مؤمن گفته می‌شود و هم به خدا. خدا وقتی مؤمن است یعنی به انسان‌ها امنیت می‌دهد و امنیت در اتصال به خدا معنا می‌یابد که معنای متعددی ایمان است. وقتی مؤمن درباره انسان به کار می‌رود یعنی انسان به سمت ایمان رفت و برخوردار از امنیت شد. استاد مطهری از این بحث استفاده می‌کند که بگوید امنیت فقط از طریق ایمان به وجود می‌آید نه از هیچ طریق دیگری. استاد مطهری از نگاه صرفاً سلبی که در نگاه مکاتب امنیتی وجود دارد فراتر می‌رود. لذا آن دسته از کسانی را که برای نظم و امنیت، عدالت و آزادی را سلب کرده اند نقد می‌کند و آن را نمی‌پذیرد. این که ما می‌خواهیم نظم و امنیت برقرار کنیم نباید باعث سلب آزادی و عدالت بشود. این موضوع در نظریه‌های خلافت مطرح است که نظم و امنیت مقدم می‌شود در حالی که در نظریه امامت بحث عدالت ملازم امنیت است. (لک زایی، ۱۴۰۰)

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت برای تحقق امنیت در جامعه اسلامی دو مقوله علم و ایمان ضرورت دارد هم علم و هم ایمان به انسان امنیت می‌دهد. به فرموده استاد مطهری علم بدون ایمان ناامنی تولید می‌کند. وقتی ما به دیگران آسیب نمی‌زنیم که برخی از محدودیت‌ها را برای خودمان بپذیریم و این محرومیت را محرومیت نداند. لذا به اعتقاد ایشان زیر بنای هر امنیتی ایمان به خدا است.

بحث امنیت در فقه و معارف اسلامی بحث مستقلی نیست و با موضوعاتی مانند ایمان، صفات مؤمنان، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع فردی و عمومی، جهاد، برقراری قسط و عدل، قضاوت، اجرای حدود الهی، امانت و امانتداری، برخورد با اشرار، محاربان، یاغیان، مفسدان و جاسوسان، رفع فقر و محرومیت، عدم سلطه بیگانگان، نوع تعامل با کفار و مشرکان و... گره خورده است امنیت در اسلام با همه وسعتش در دایره معنایی و کاربردی آن اعم از فردی، خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، شهری، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی، اقتصادی، روانی و بهداشتی از مقوله‌های بسیار سنگینی است که حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها می‌توانند در این خصوص بسیار مؤثر واقع شوند. (طوبی کرمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۱) حوزه با تبیین فقهی امنیت در جامعه و دانشگاه با ارائه رویکرهای علمی و فناوری‌های جدید نسبت به پیاده‌سازی امنیت در جامعه، نقش ایفا کنند.

از طرفی نیروهای متصدی برقراری نظم و امنیت در جامعه می‌بایست هم از نظر اعتقادی و اخلاقی و هم از جهت ابتکارات علمی و فناوری‌های جدید تلاش نمایند که در این زمینه (مباحث اعتقادی و اخلاقی و ابتکارات علمی و فناوری‌های جدید) دو نهاد علمی حوزه و دانشگاه در رسیدن به این اهداف از جایگاه بسزایی برخوردار هستند.

سهم دانشگاه در این زمینه یک سهم عمده و بسیار مهم است. دانشگاه‌ها به عنوان پایگاه کلیدی تولید علم و برنامه، زیربنای تحول در حوزه امنیت و نظم می‌باشد و با اقدامات راهبردی خود می‌تواند نسبت به تحقق نظم و امنیت نقش بسزایی ایفا نماید. اساساً تولید علم که از وظائف بسیار مهم دانشگاه‌ها است، می‌تواند در همه جوانب تمدن سازی مؤثر ساز باشد، دانشگاه با توجه به جایگاهی که دارد می‌تواند نسبت به عملیاتی شدن مفاهیم دینی در حوزه جامعه اسلامی بسیار مؤثر واقع شود. اگر بخواهیم مفاهیمی که از دین استخراج می‌شوند، جامه عمل به تن کنند و رنگ عینیت به خود بگیرند و تحقق پذیرند، باید از کانال علم بگذرند و سامان دادن این فرایند بر عهده دانشگاه است. دانشگاه در این مسیر دو وظیفه دارد: یکی تولید علم و دیگری، ارائه برنامه. دانشگاه باید همراه تولید علوم دیگر، علم برنامه ریزی نیز تولید و توزیع کند. البته طبعاً جای مصرفش در حکومت و جامعه است. اینکه ما با چه عواملی در دانشگاه روبه رو هستیم که مانع تحقق تمدن اسلامی است، بحث مفصلی را می‌طلبد. خلاصه این که دانشگاه باید بتواند روش و متدولوژی تاسیس کند و بر اساس آن، مفاهیم دینی و ارزشی را به میدان کاربرد بیاورد. علمی که محصول این دانشگاه است، باید راهکارهای تحقق مفاهیم دینی و ارزشی را ارائه کند. اگر احکام عملی، که محصول حوزه علمیه است، بخواهد در جامعه تحقق پیدا بکند، نیاز به راهکارهای علمی دارد. این که می‌گوییم علم باید با مفاهیم ارزشی و احکام عملی ارتباط بیابد، به این معنا نیست که دانشگاه فقط علم اخلاق تولید بکند و علوم تجربی و پایه را کنار بگذارد و به این معنا نیست که بگوییم فقط علم اخلاق باید با مفاهیم ارزشی ارتباط داشته باشد. نه؛ بلکه ما می‌خواهیم مجموعه‌ای را ارائه بدهیم که هم روان شناسی دارد، هم جامعه شناسی دارد و هم علوم پایه. شما نمی‌توانید جامعه را چند قسمت کنید و بگویید این قسمتش مربوط به علوم انسانی است و این قسمتش مربوط به صنعت و پایه. زیرا در همان قسمتی که علوم انسانی جریان پیدا می‌کند، علوم ریاضی هم دخیل است و می‌آید و حرف می‌زند و کار می‌کند و بستر می‌سازد. جامعه مانند پیکر انسان است که همه اجزایش باهم ارتباط دارند. همه ابعادش با هم مرتبط اند. این طور نیست که شما بتوانید اخلاق یک فرد را تغییر دهید، ولی کاری به الگوی غذایی او نداشته باشید. غذا خوردن او هم در اخلاقیات اثر دارد، تعامل او در جامعه با افراد دیگر هم در اخلاقیات اثر دارد. انسان در جامعه ابعاد مختلفی دارد و این ابعاد مرتبط با هم و در تعامل با هم هستند؛ یعنی یک سیستم درست می‌کنند، یک نظام می‌سازند. اگر جایگاه یک مفهوم ارزشی در این سیستم تغییر کند، در تک تک اجزای مجموعه اثر می‌گذارد. مجموعه، کلاً متحول و متغیر می‌شود. ما هم نیاز به روان شناختی رایج داریم و هم جامعه شناختی و هم علوم انسانی و علوم تجربی و حتی فیزیک و شیمی، که شما آنها را در دانشگاه علوم پایه می‌خوانید. ریاضیات نیز به عنوان شاخه‌ای از علوم پایه، بریده از سایر علوم نیست. یک عضو از سیستم است. یک عضو برای مجموعه‌ای بزرگ تر است که کل مجموعه روی هم رفته یک پیام دارد. شما نمی‌توانید ریاضیات را از فیزیک جدا کنید، نمی‌توانید فیزیک را از شیمی جدا کنید؛ همان طور که نمی‌توانید علوم پایه را از علوم انسانی جدا کنید. (دبیرخانه نهضت آزاد اندیشی و تولید علم، ۱۳۸۴، ص ۲۵) در این راستا حوزه‌های علمیه نیز به دلیل نقش محوری که در تقویت روشنفکری دینی دارند می‌بایست در رفع خلأهای ایدئولوژیک دانشجویی نقش مؤثر داشته باشند.

ه) تربیت نسلی انقلابی

یکی از مسائل بسیار مهم در تحقق تمدن نوین، سرمایه انسانی است. تربیت مدیران، کارگزاران فرهیخته و سیاستمدارانی متدین از جمله سیاست های راهبردی تمدن سازی و از عناصر اصلی سازنده یک تمدن نوین بشمار می آید. لذا مقام معظم رهبری در این رابطه می فرماید:

راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟ راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیات که آن خصوصیات اینها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش گام، خودباور، غیور؛ -البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم اما این بایستی گسترش پیدا کند- چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «أَعْرِ اللَّهَ جُمُوعَتَكَ» زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است. بعضی ها از روی دشمنی، انقلابی را بد معنا می کنند. انقلابی را به معنای بی سواد، بی توجه، بی انضباط [میدانند]؛ نخیر، اتفاقاً درست بعکس است. انقلابی یعنی دارای سواد، دارای انضباط، دارای تدین، دارای حرکت، دارای عقل، خردمند. ما یک چنین نسلی لازم داریم. این نسل، نسل جوان ما است. سرمایه ی این حرکت، این نسل است و موتور محرکه ی این حرکت هم نخبگان جوانند؛ نخبگان این جوری هستند. شماها موتور محرکید. اگر شما خوب کار کردید، این نسل جوان در همین جهتی که عرض کردم، حرکت خواهد کرد. علت اینکه بنده به نخبگان اهمیت میدهم و وجود آنها را قدر میدانم اینها است. نخبه ارزش دارد. (خامنه ای، ۱۳۹۵)

ایشان در زمینه عناصر سازنده تمدن اسلامی با تأکید بر دو عنصر پرورش فکر و نیروی انسانی می فرمایند:

برای ایجاد یک تمدن اسلامی مانند هر تمدن دیگر دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمی تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت و یا چند متری در آب در یک نقطه ای فرو رفت، نمی تواند بگوید اقیانوس را شناخته است. سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن که از کتاب و سنت همه ی اینها استفاده می شود کاری است که همگان باید بکنند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام گیرد. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. یک روزی حرف های مرحوم شهید مطهری که مطرح می شد، به گوش بعضی نا آشنا می آمد. حرف های شهید مطهری، حرف های دین بود؛ حرف های قرآن بود؛ حرف های اسلامی بود؛ اما بسیاری از کسانی که با دین و قرآن و اسلام هم سر و کار داشتند، با آن حرف ها آشنایی نداشتند! در همه ی زمانها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن شناسان، حدیث شناسان، آشنایان با شیوه ی استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند، درخواست بشریت را بدانند، می توانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه ی راهنما و راهگشا برای بشریت. شرط دوم، پرورش انسان است. حال در آن جایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش آفرینان چه کسانی هستند. این نقش آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این یک بُعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق

طی‌شدنی نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند. بدون شک مدیران جامعه جزو نقش‌آفرین اند؛ سیاستمداران جزو نقش‌آفرین اند؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش‌آفرین اند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش‌آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای این‌که بتوانند درست نقش‌آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند. سیاستمداران و فعالان سیاسی در جامعه نیز همین‌طور. محیطهای گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین‌طور. برقی از سخن یک عالم دین پارسا و زمان‌شناس ممکن است بجهت، ظلماتی را از دلی یا دل‌هایی بزداید؛ چقدر هدایتها به این ترتیب اتفاق افتاده است. این نقش، نقش یگانه است. نقش‌آفرینی را به علمای دین منحصر نمی‌کنیم؛ اما جایگاه نقش‌آفرینی علمای دین را از همه‌ی جایگاههای دیگر برجسته‌تر می‌بینیم؛ به این دلیل روشن که در این راه، اندیشه‌ی دینی و ایمان دینی برای انسانها لازم است؛ تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند، دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد. البته عالم دین با آن شرایطی که نیاز به آن شرایط هست، ای بسا نتواند این نقش را ایفا کند؛ او هم اگر این شرایط را نداشته باشد، نخواهد توانست؛ که حالا من بعد در دنباله‌ی عرایض مطالبی در این زمینه هم عرض خواهم کرد. البته در آحاد مردم هم نقش‌آفرینی دینی هست؛ از راه امر به معروف و نهی از منکر؛ از راه آماده‌سازی خود برای این‌که در یک جایگاه نقش‌آفرین قرار گیرند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹)

اما نکته حائز اهمیت در اینجا ارگان‌های متصدی این امر خطیر (یعنی تربیت و پرورش نیروی مؤمن، کارآمد، متخصص، خلاق و دارای پشت کار و همت مضاعف) می‌باشد که در رأس آنها می‌توان به حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها اشاره کرد. یکی از مأموریت‌های اصلی مراکز علمی در کنار آموزش افراد، پرورش و تربیت ایشان می‌باشد و در دین مبین اسلام نیز همواره به آموزش و پرورش بصورت توأمان با هم توصیه شده است لذا جایگاه تربیت و پرورش نیروی انسانی از وظائف ذاتی مراکز علمی می‌باشد و نه وظائف عرضی و حاشیه‌ای؛ در این بین حوزه‌های علمیه که مستغنی از آموزه‌های دینی در حیطه تربیت و پرورش است به عنوان سردمدار این وادی نقش مهمی می‌تواند ایفا نماید. مقام معظم رهبری در همین راستا می‌فرماید:

وقتی نگاه می‌کنیم، حوزه‌ی روحانیت و علمای دین، اگر با آن تربیت درست و در آن مدارچ لازم پرورش پیدا کنند، نقششان نقش یگانه است. لذا امام بزرگوار ما الگویی برای علمای دین شد. اگر امام نمی‌بود، اگر نفس گرم او و منطق نیرومند و استوار او و ایستادگی او در این راه نمی‌بود و نمی‌توانست مجموعه و منظومه‌ی عظیمی از علمای دین را در این راه به حرکت بیندازد، یقیناً این حرکت عظیم ملت ایران اتفاق نمی‌افتاد. هیچ حزب سیاسی، هیچ رجل سیاسی، هیچ رجل دانشگاهی، هیچ آدم اجتماعی معروف و محبوب امکان نداشت بتواند این اقیانوس عظیم ملت ایران را این‌طور به تلاطم بیندازد و مردم را به خیابانها بکشانند. این فقط روحانیت بود و پیشوایی امام بزرگوار ما با خصوصیات که او داشت؛ که اگر این خصوصیات را آن شخصیت عظیم هم نمی‌داشت، باز این کار به این آسانیه‌ها ممکن نبود. این نقش یک روحانی است که شرایط لازم را دارد و در زمان متناسب ظهور و بروز می‌کند و این‌طور عظیم نقش‌آفرینی او در تاریخ و در جهان روشن و مسجل می‌شود. این وضع روحانیت است. پس جایگاه روحانیت این است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹)

ایشان در فرازی دیگر نسبت به ورود طلاب و روحانیون حوزه علمیه در مسئله تربیت نسلی مؤمن و کارآمد و شناخت چالش‌های پیش رو می‌فرماید:

طلبه‌ی جوان وقتی که وارد حوزه‌ی علمیه می‌شود و درس حوزه را می‌خواند و برنامه‌ی حوزه را عمل می‌کند، چشمش به این است که بتواند در این حرکت عظیم مردمی نقش بیافریند؛ نه لزوماً نقشی همانند نقش امام؛ نقش‌های آگاهی‌بخش و هدایت‌کننده مثل نقش پیامبران. آن قدر آدم سازی و پرورش انسانهای والا و با ایمان مهم است که اگر یک روحانی همت خود را صرف کند و در طول زمان بتواند تعدادی انسان مناسب و استوار را بسازد، کار بزرگی را انجام داده است. طلبه‌ی جوان و فاضل جوان به فکر آن است که در این حرکت عظیم مردمی، در این خط مستقیمی که نظام الهی و اسلامی به سمت آن سرانجام بسیار درخشان و بزرگ خود حرکت می‌کند، بتواند نقش ایفا کند و این حرکت را حتمیت و تسهیل ببخشد. البته امروز نظام اسلامی با چالشهای بزرگی مواجه است. اگر این چالشها شناخته نشود، اگر معارضه‌ها دانسته نشود چه معارضه‌های ممکن، چه معارضه‌های واقع و موجود نمی‌توان درست نقش ایفا کرد؛ نمی‌شود واقعیت را فهمید و با آن مواجه شد. پس مسأله‌ی بعدی این است که چالشهای کنونی نظام چیست؟ شرط اول کسی که می‌خواهد در این راه حرکت کند، این است که بداند با چه کمینها و موانعی روبه‌رو خواهد شد؛ خودش را آماده کند. «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللّوایس». عالم به زمان فقط این نیست که انسان با تعدادی از مردم ارتباط دوستانه داشته باشد، یا خبرهایی از این‌جا و آن‌جا به گوش او برسد. عالم به زمان کسی است که بداند در کجای دنیا زندگی می‌کند؛ صف‌بندیهای مقابل او چیست؛ انگیزه‌های مخالفت با او کدام است؛ طرحهایی که این انگیزه‌ها به وسیله‌ی آنها تحقق پیدا می‌کند، چیست؟ این عالم به زمان است. البته این مخالفتها و این دشمنیها هرگز دشمنی با شخص نیست؛ اما شخص باید بداند کجا قرار دارد و نظام او و راه او و اهداف او با چه چیزی مواجه است. (خامنه ای، ۱۳۷۹)

(و) لزوم ایجاد وحدت و تفرقه زدایی

وحدت و یکپارچگی از گزاره‌های بسیار مهم دینی است که آیات و روایات متعددی پیرامون بیان شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» (آل عمران، ۱۰۳) یعنی و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید و به یاد آورید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، اما خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت. در روایات متعدد نیز به اصل وحدت و عوامل ایجاد‌کننده وحدت اشاره شده است، حضور در نماز جماعت، نماز جمعه و ... از جمله اموری هستند که وحدت را و تفرقه زدا هستند.

از مؤلفه‌های مهم یک تمدن نوین این است که در همه امور یگانگی و یکپارچگی وجود داشته باشد که دین اسلام به عنوان ارائه‌کننده الگویی جامع برای تحقق تمدنی نوین از این خصوصیت برخوردار است. دین واحد، کتابی واحد، زبان دینی واحد، قبله واحد، پیامبری واحد و ... گویای یکپارچگی مسلمانان در امور مختلف می‌باشد لذا تمدن اسلامی ظرفیت بالایی در این زمینه دارد و می‌تواند الگوی مناسبی برای جامعه بشریت باشد، لکن می‌بایست این وحدانیت و یکپارچگی را در همه امور داشته باشد و از هر گونه تفرق و دو دستگی خودداری نماید. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

«جهان اسلام باید عوامل تفرقه را بزدايد. وحدت علمای دین، راه‌حل‌های اسلامی برای سبک زندگی نوین اسلامی را کشف می‌کند تمدن نوین اسلامی را تشکیل بدهند و به وجود بیاورند؛ اتحاد عظیم اسلامی را به وجود بیاورند، امت اسلامی را تشکیل بدهند. اتحاد دنیای اسلام مراتبی دارد؛ پایین‌ترین مرتبه‌اش این است که جوامع اسلامی، کشورهای اسلامی، دولتهای اسلامی، اقوام

اسلامی، مذاهب اسلامی، علیه هم دست به تعرض نزنند، با هم معارضه نکنند، به یکدیگر ضربه نزنند؛ این قدم اول است. البته بالاتر از این، این است که دنیای اسلام علاوه بر اینکه به یکدیگر ضربه نمیزنند، در مقابل دشمن مشترک هم دست به دست هم بدهند، اتحاد واقعی و کافی داشته باشند، از یکدیگر دفاع کنند. این هم یک قدم بالاتر است؛ از این بالاتر هم این است که کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی هم‌افزایی کنند. کشورهای اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ ثروت، از لحاظ امنیت، از لحاظ قدرت سیاسی در یک سطح نیستند، میتوانند به یکدیگر کمک کنند، هم‌افزایی کنند، آنهایی که بالاترند در هر بخشی، دست آن کسانی را که پایین‌تر هستند بگیرند؛ این هم یک مرحله‌ای از وحدت است. مرحله‌ی بالاتر هم این است که همه‌ی دنیای اسلام متحد بشوند در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی. این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده: رسیدن به تمدن اسلامی، منتها تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلام. اینها مراتب وحدت است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸)

شاید بتوان وحدت و یکپارچگی را راز نائل شدن به موفقیت‌های کلان و مهم مسلمانان دانست لذا همواره دشمنان اسلام تلاش خود را پیرامون بر هم زدن وحدت مسلمانان و ایجاد تفرقه بین آنان نموده است.

اما حوزه و دانشگاه در ارائه برنامه‌های دینی و ضوابط اجرایی در تحقق و ثبات وحدت اسلامی می‌توانند عملکرد کلیدی‌ای را رقم بزنند و در این راستا اقدامات کاربردی‌ای انجام دهند و این مستلزم این است که خود حوزه و دانشگاه نیز بتواند وحدت خود را حفظ کند و از هرگونه دودستگی و پراکندگی پرهیز نماید. وحدت حوزه و دانشگاه تحقق‌پذیرد موفقیت‌های بسزایی در عرصه فعالیت‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی و ... رخ خواهد داد لذا اگر حوزه و دانشگاه مسیر هم‌افزایی را در پیش گیرد و وحدت داشته باشند، ضمن دست‌یابی به موفقیت‌های بزرگ، الگو و بیس مناسبی برای ارائه به جامعه اسلامی خواهند بود.

نتیجه‌گیری

تمدن در لغت به معنای پذیرش شهرنشینی، خو گرفتن به آداب و اخلاق شهرنشینی، دوری از آداب جاهلی، پذیرش نظم و قانون و سایر شئون اجتماعی و همکاری افراد اجتماع با یکدیگر در امور مختلف اجتماعی و سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... بوده و در اصطلاح به مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین یا حالات پیشرفته و سازمان‌یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان‌آنها پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است، گفته می‌شود و تمدن اسلامی نیز تمدنی است که بر اساس محورها و گزاره‌های دینی بنا شده است. محتوای تمدن اسلامی مبتنی بر منابع دینی از جمله آموزه‌های قرآنی و سنت ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد که از مهمترین مؤلفه‌های آن می‌توان به: تدین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و ... اشاره کرد.

آنچه در تحقق تمدن نوین اسلامی ملاک است پیشرفت همه‌جانبه بر اساس مبانی و ارزش‌های دینی می‌باشد، بطوریکه بتوان نیازهای مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی جامعه را شناسایی و در همه جنبه‌ها به پیشرفت مطلوب نائل گشت. البته این نکته نیز حائز اهمیت است که برای تحقق تمدن نوین، شرایط و اقتضائات دنیای جدید باید در نظر گرفته و به آن توجه

ویژه شود. در واقع در این راستا نباید تمدن غرب و پیشرفت های حاصله را نادید گرفت همانطوری که نبایست فرهنگ آنها را مبنا و اساس کار خود قرار داد.

در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، عواملی همچون معنویت، پیشرفت علمی، اقتصادی و نظامی، بصیرت و قدرت تحلیل سیاسی، پایداری نظم و امنیت، تربیت مدیران و کارگزاران، معرفی سبک زندگی اسلامی، وحدت و تفرقه زدایی، لزوم شناسایی و دفع موانع و چالش های پیش روی تمدن اسلامی از جمله مهمترین عوامل سازنده تمدن نوین اسلامی شمار می آید که حوزه های علمیه و دانشگاه ها در معرفی و تحقق این عوامل به جامعه نقش سازنده ای داشته اند. سازمان روحانیت و حوزه های علمیه که پرچمدار و مبلغین اصلی معارف دین مبین اسلام هستند با تبیین دقیق دستورات ارزشمند دینی در زمینه اخلاقی، علمی، سیاسی، اقتصادی و ... توانسته اند همواره با فعالیت در مساجد، نمازهای جمعه، مراسم مذهبی و ... اقدامات مؤثری در این راستا انجام دهند همچنین دانشگاه ها نیز به عنوان موتور پیشران جامعه در عرصه های علم و فناوری و ایجاد زیرساخت های حیاتی علمی کشور با ورود در عرصه های نظری و تئوریک، و با گفتمان سازی به عنوان نخبگان جامعه در این زمینه نقش کم رنگی نداشته و در شرایط گوناگون تأثیرگذار بوده اند. البته وحدت حوزه و دانشگاه و هم افزایی آن دو در این راستا نیز در پیشبرد این هدف متعالی یعنی تحقق تمدنی نوین بر اساس مبانی دین اسلام بی تأثیر نبوده است.

منابع

کتاب ها :

- قرآن کریم (ترجمه الهی قمشه ای)
- نهج البلاغه (ترجمه حسین انصاریان)
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (۱۳۹۱)، مقدمه ابن خلدون، جلد اول، قاهره: انتشارات دار نهضة مصر.
- انوری، حسن، (۱۳۸۳)؛ فرهنگ روز سخن، تهران، انتشارات سخن.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۶)؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، محقق: مهدی نجفی، قم: انتشارات معارف.
- حجازی، فخرالدین (بی‌تا)؛ نقش پیامبران در تمدن انسان، جلد دوم، بی‌جا.
- صادقی علوی، محمود (۱۳۹۴)؛ مجموعه ی از نگاه نبوی (ص) - دفتر بیستم: تمدن، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)؛ جلد اول، بیروت: انتشارات مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۱۳۸۹)، معانی الاخبار ، جلد اول ، دارالکتب اسلامیه
- محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۱۴۰۴ ق) ، من لایحضره الفقیه ، جلد چهارم ، موسسه النشر الاسلامی
- محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۱۴۰۴ ق) ، خصال شیخ صدوق ، نشر کتابچی
- قزوینی، میرزا علی اکبرخان (۱۳۷۳)؛ لغت‌نامه دهخدا، جلد سوم، تهران: انتشارات روزنه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷)؛ اصول کافی، جلد ۲، قم، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دارالحديث.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۶۷)؛ میزان الحکمه، جلد هفتم، قم: انتشارات مکتب الإعلام الإسلامی.
- محمدی، اسماعیل (۱۳۹۲)؛ اقتصاد مقاومتی، ایجاد اشتغال و توسعه، قم: انتشارات صدرا.
- معاونت پژوهشی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم (۱۳۸۳)؛ درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی (دفتر اول: مجموعه سخنرانی) علل ناکارآمدی نهادهای علمی کشور سهم دانشگاه در تمدن اسلامی، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- معین، محمد (۱۳۸۷)؛ فرهنگ معین، جلد دوم، تهران: انتشارات زرین.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴)؛ پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ویل دورانت (۱۳۷۲)؛ تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، جلد اول، قم: انتشارات انقلاب اسلامی.

مقالات:

دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴)؛ تمدن نوین اسلامی، بنیادها و چشم اندازها، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، شماره اول، ۸۰.

سالار، محمد (۱۳۸۸)؛ مؤلفه های امنیت در اندیشه امام خمینی(ره)، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶، ۵۰.

کرمانی، طوبی (۱۳۹۷)؛ نظم و امنیت در تراز تمدن نوین اسلامی «تیروی انتظامی یار مهربان و مقتدر»، فصلنامه ی مطالعات راهبردی ناجا، شماره دهم، ۵۰.

منصوری، جواد و دیگران (۱۳۸۱)؛ انقلاب اسلامی و معنویت گرایی، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی. شماره ۲، ۷۰.

میرعرب مهرداد و سجادی سید عبدالقیوم (۱۳۷۹)؛ نیم نگاهی به مفهوم امنیت، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۹، ۸۰.

سایت ها:

خامنه ای، سیدعلی، (۱۴۰۰)، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی آیه الله العظمی سیدعلی خامنه ای :

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31770>

.....، بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی، پایگاه اطلاع رسانی آیه الله العظمی سیدعلی خامنه ای :

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۶۳>

.....، بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه های علمیه قم در مدرسه فیضیه، پایگاه اطلاع رسانی آیه الله العظمی سیدعلی خامنه ای :

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۱۴۵۱>

.....، بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، پایگاه اطلاع رسانی آیه الله العظمی سیدعلی خامنه ای :

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۷۰۳>

.....، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی آیه الله العظمی سیدعلی خامنه ای :

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۴۰۱۶>

.....، بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، پایگاه اطلاع رسانی آیه الله العظمی سیدعلی خامنه ای :

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۱۴۵۱>

سلامی، احمد (۱۴۰۰)؛ معنویت گرایی و تمدن نوین اسلامی، پایگاه تخصصی مسجد:

-۹٪۸۶D۹٪۸۵٪D۹٪۸۷٪D۸٪A۸٪-%D۱۸/۲۹۹۴https://www.masjed.ir/fa/article/

-۹٪۸۸C-%D٪۸C%DB٪۸DBY٪A۸٪D۱٪B۸٪AA-%DA%AF%D۸٪C%D٪۸DB۹٪۸۸٪D۹٪۸۶٪D۹٪B۸٪D۹٪۸۵٪%D

-۹٪۸۶C%D٪۸DB۹٪۸۸٪D۹٪۸۶٪-%D۹٪۸۶AF%D۸٪D۹٪۸۵٪AA%D۸٪%D

C٪۸DB۹٪۸۵٪D۷٪A۸٪D۹٪۸۴٪D۳٪B۸٪D۷٪A۸٪%D

لک زایی، نجف (۱۴۰۰)؛ امنیت در تمدن سازی نوین اسلامی بر اساس نظریه استاد مطهری، پایگاه اطلاع رسانی مجمع عالی
حکمت اسلامی:

<http://hekmateislami.com/?p=۶۱۵۴>